

Investigating The Relationship Between Thinking Styles And Creative Academic Behaviors Of High School Students In Geography Lessons In Nasiriyah Cityhassanali Sajjad

Safih Sajet Alzamali¹, Hamid Rahimi²

1. MA, Department of Education, School of Humanity, University of Kashan, Kashan, Iran.

2. Associate Prof, Department of Education, School of Humanity, University of Kashan, Kashan, Iran.

ABSTRACT

Keywords: Ju Creative Academic Behavior, Creativity, Geography, Secondary School, Students, Thinking Styles

¹.Corresponding author
✉ dr.hamid.rahimi@kashanu.ac.ir

Background And Objective: In today's world, education is no longer limited to the transmission of information, but the development of intellectual skills and creativity is considered one of the main goals of educational systems. Geography, as one of the important and analytical subjects, provides a suitable platform for strengthening diverse thinking styles and creative behaviors in students. On the other hand, understanding students' thinking styles can help teachers choose effective teaching methods and provide a basis for their personal and academic growth.. **Method:** the type of research was descriptive-correlational and the statistical population included all students in public schools who were studying geography. The sample size was 360 students, selected through a cluster random sampling method. **Finding:** The results showed that in the thinking styles variable, the highest average was related to the hierarchical thinking style and in the creative behavior variable, the highest average was related to the problem-solving component. **Conclusion:** The results of the study showed that students' creative academic behavior is affected by different thinking styles. Confirming the relationship between different thinking styles and students' creative behavior and identifying the style and skill that has the most positive relationship with students' creative behavior helps education system officials and stakeholders to provide opportunities for students to develop creative behavior.

Citation: Rahimi Hamid (2026): Investigating The Relationship Between Thinking Styles And Creative Academic Behaviors Of High School Students In Geography Lessons In Nasiriyah Cityhassanalı Sajjad. *The Journal of Research Social Studies Education* , 8(1), 81-110.

 <https://doi.org/10.48310/rsse.2026.20952.1314>



رابطه بین سبک‌های تفکر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان

مقطع متوسطه شهر ناصریه در درس جغرافیا

سجاد سفیج ساجت الزاملی^۱، حمید رحیمی^۲

۱. کارشناسی ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

۲. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

چکیده

زمینه و هدف: در دنیای امروز، آموزش دیگر تنها به انتقال اطلاعات محدود نمی‌شود، بلکه پرورش مهارت‌های فکری و خلاقیت از اهداف اصلی نظام‌های آموزشی محسوب می‌شود. درس جغرافیا به عنوان یکی از دروس مهم و تحلیلی، بستری مناسب برای تقویت سبک‌های متنوع تفکر و بروز رفتارهای خلاقانه در دانش‌آموزان فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، شناخت سبک‌های تفکر دانش‌آموزان می‌تواند معلمان را در انتخاب روش‌های تدریس مؤثر یاری دهد و زمینه رشد فردی و تحصیلی آنان را فراهم سازد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهر ناصریه عراق در درس جغرافیا انجام شد. **روش:** نوع تحقیق، توصیفی-همبستگی و جامعه‌آماري شامل کلیه دانش‌آموزان مدارس دولتی است که درس جغرافیا را می‌گذرانند و حجم نمونه ۳۶۰ نفر است که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. پایایی پرسشنامه‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های تفکر (۰/۹۱) و رفتار تحصیلی خلاقانه (۰/۸۳) بدست آمد. داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های استاندارد سبک‌های تفکر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه جمع‌آوری شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد در متغیر سبک‌های تفکر، بالاترین میانگین مربوط به سبک تفکر سلسله‌مراتبی و در متغیر رفتار خلاقانه، بالاترین میانگین مربوط به مولفه حل مساله بود. در سبک‌های تفکر قانونی، سلسله‌مراتبی، کل‌نگر، درونی و آزاداندیش، دانش‌آموزان دختر و در سبک‌های تفکر اجرایی، اولیگارشی، آنارشی، جزی‌نگر و بیرونی، دانش‌آموزان پسر، میانگین بالاتری داشتند. همچنین بین سبک‌های تفکر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان $(Beta=0/427)$ رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** نتایج تحقیق نشان داد که رفتار تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان، متأثر از سبک‌های مختلف تفکر است. تأیید رابطه بین سبک‌های مختلف تفکر با رفتار خلاقانه دانش‌آموزان و شناسایی سبک و مهارتی که بیشترین ارتباط مثبت را با رفتار خلاقانه دانش‌آموزان دارد، به مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی کمک می‌کند تا با توجه به قابل رشد بودن و پرورش سبک‌های مطلوب تفکر، زمینه‌های رشد رفتار خلاقانه را در دانش‌آموزان فراهم نمایند تا آنها بتوانند نقش خود را به عنوان فراگیرانی خلاق و نوآور در رشد و

DOI:10.48310/r
sse.2026.20952.
1314

واژه‌های کلیدی:

خلاقیت، سبک‌های تفکر، دانش‌آموزان متوسطه، درس جغرافیا، رفتار تحصیلی خلاقانه

۱. نویسنده مسئول

dr.hamid.rahimi
@kashanu.ac.ir



تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰

شماره صفحات: ۳۰

مقدمه

آموزش و پرورش از مهمترین نهادهای اجتماعی هر کشوری بوده که کیفیت فعالیت سایر نهادهای اجتماعی تا اندازه زیادی به چگونگی عملکرد این نظام بستگی دارد. نظام آموزش و پرورش در پرورش فرد و توسعه جامعه نقش حیاتی داشته و وظیفه آن، شناسایی استعدادها و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی استعدادها در زمینه‌های گوناگون است (Li et al, 2024; 190). از آنجا که دانش‌آموزان امروز، سازندگان فردای کشور خویش خواهند بود، انتظار می‌رود این گروه در سایه سرمایه‌گذاری‌های کلانی که از آموزش پرورش تا دانشگاه، صرف آنان می‌شود، بتوانند افرادی توانا، مفید و مؤثر برای کشور خود باشند (Patston et al, 2021: 211). دغدغه اصلی آموزش و پرورش علاوه بر آموزش، باید توانایی چگونگی استفاده از مهارت‌های تفکر، پرورش مهارت‌های حل مسأله، مهارت‌های سواد علمی و فناوری باشد. زیرا این مهارت‌ها، مهارت‌هایی است که علاوه بر آموزش مقدماتی، برای پایداری و آموزش مادام‌العمر، لازم است. دانش‌آموزان در کنار کسب حقایق علمی باید به روش‌های جستجوی اطلاعات علمی توجه کنند و به جای انباشتن اطلاعات علمی در ذهن، بیاموزند که چگونه بیندیشند، تصمیم بگیرند

و درباره امور مختلف قضاوت کنند (Kirmizi et al, 2015: 659). بنابراین هدف هر نظام آموزشی، تربیت افرادی متفکر، خلاق، نقاد و دارای بینش علمی است و این امر باید از طریق فعالیت‌هایی هدفمند تحقق یابد؛ فعالیت‌هایی که جنبه‌های روانی، انعطاف‌پذیری و اصالت را در کودکان و نوجوانان پرورش دهد. آموزش و تمرین رفتارهای خلاقانه، تنها مختص دانش‌آموزان نیست، بلکه والدین، مشاوران تربیتی و معلمان نیز باید بیاموزند که چگونه از طریق ابزارهایی برگرفته از نظریه‌های خلاقیت و تفکر واگرا، رفتارهای آموزشی خلاقانه را به دانش‌آموزان منتقل کنند (Ayasrah et al, 2023: 181).

این باور که معلمان می‌توانند الگوی رفتار آموزشی خلاق باشند، نقشی مهم در انگیزه و مشارکت فعال فراگیران ایفا می‌کند. از این رو، آموزش و تمرین خلاقیت نه تنها یک مهارت فردی، بلکه ضرورتی برای تمامی ارکان آموزش است و نقش دروس و برنامه درسی در این زمینه حائز اهمیت است (Tang et al, 2022: 57).

یکی از دروس مهم و مغفول مانده در مدارس، به ویژه در زمینه پرورش خلاقیت و تفکر خلاق، درس جغرافیاست. جغرافیا به عنوان دانشی تلفیقی، زمینه‌ای غنی برای آموزش مهارت‌های تفکر فضایی، تحلیل محیطی، آینده‌نگری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی فراهم می‌کند. از آنجا که جغرافیا با شناخت محیط پیرامون و روابط بین انسان و طبیعت سر و کار دارد، می‌تواند بستری برای یادگیری، تفکر خلاقانه و رفتار نوآورانه از طریق مشاهده، تحلیل، پرسشگری و کاوش فراهم آورد. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که آموزش جغرافیا در اکثر کشورها، عمدتاً به صورت سنتی و با تأکید بر محفوظات ارائه می‌شود، در حالی که استفاده از رویکردهای نوآورانه در این درس می‌تواند قابلیت‌های دانش‌آموزان را فعال و پرورش دهد (Filgona & Sababa, 2017: 398). نگاهی به سرفصل‌های درس جغرافیا در کتب درسی قدیمی نشان می‌دهد که در آنها توضیح دادن درباره موقعیت مکان‌های جغرافیایی و همچنین اصول و قوانین اولیه زمین در فضا، اوضاع و شرایط جغرافیایی قاره‌ها و نیز کشورها، یکی از مهم‌ترین وظایف این درس و نیز معلمان جغرافیا بوده است؛ اما سرفصل‌ها و مطالب معاصر درس جغرافیا در کتاب درسی و نیز راهنماهای درسی دوره متوسطه، نشانگر بروز تحولات اساسی در موضوعات آموزشی، اهداف آموزشی، شیوه‌های تدریس و نیز مطالب درسی موجود برای آموزش جغرافیا است.

اگر دیروز شناسایی کشورهای کوچک و بزرگ در برنامه درسی جایی برای خود داشت، امروزه مباحثی چون اصول و قوانین جغرافیایی، جغرافیا و توسعه پایدار، تغییرات محیط زیستی، طبیعت‌گردی، مخاطرات طبیعی، زندگی در مناطق مختلف جغرافیایی جهان، گرمایش زمین، جمعیت، منابع زیرزمینی، انرژی‌های تجدیدپذیر و غیره مطرح می‌باشند (Sadeghzadeh Belil et al, 2025) که ورود آنها به برنامه درسی جغرافیا نشانه مقتضیات زمانه و احساس نیاز

مبرم جامعه به کاربردهای آموزش این مباحث می‌باشد (Hubackova et al, 2015: 1953). همچنین سیاستگذاری و برنامه‌ریزی آموزشی در جغرافیا باید مبتنی بر تحولات آینده، حرکت سیستم آموزشی جغرافیا از مدل کارخانه‌ای و توده‌ای به سمت آموزش ترکیبی و ساخت‌گرایی خلاق، صلاحیت حرفه‌ای آموزشی-پژوهشی معلمان جغرافیا و توجه به تغییرات فرهنگی، نسلی و فناورانه (همانند هوش مصنوعی و ...) در محیط‌های جغرافیایی باشد (Mahdavi & Faramarezi, 2024: 74).

جغرافیا بنا به ماهیت خاص خویش، اطلاعات را از منابع مختلف گردآوری کرده و با هم ترکیب می‌کند. از آنجا که فرایندهای جغرافیایی به شکل مجرد بررسی نمی‌شوند، بلکه عوامل خارجی مؤثر بر آنها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند، بنابراین دانش‌آموزان در جغرافیا دائماً درگیر تفکر و تصمیم‌گیری درباره اطلاعات مختلف ریز و درشت هستند و یا هنگامی که اطلاعاتی مورد نیاز است در حال شناخت این اطلاعات هستند. لذا اگر لازم باشد دانش‌آموزان، سواد و بینش جغرافیایی خود را توسعه دهند و توانایی تفکر و استدلال فضایی، طبیعی و مکانی پیدا کنند، آموزش جغرافیا به روش درست و به شکل اصولی، امری بسیار ضروری است و لازمه آموزش به روش درست و اصولی، مستلزم پرورش سبک‌های تفکر و تقویت رفتارهای نوآورانه و خلاقانه در دانش‌آموزان است. زیرا درس جغرافیا، مدلی است که دانش‌آموزان به وسیله آن یاد می‌گیرند که چگونه اطلاعات مختلف حاصل از علوم دیگر را با یکدیگر تلفیق کنند. لذا با توجه به این مهم، در پژوهش حاضر، تلاش این است که ارتباط سبک‌های تفکر و رفتار تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان را در درس جغرافیا با هم بررسی نماید.

بیان مساله

نوآوری و خلاقیت از مهم‌ترین مهارت‌های قرن ۲۱ محسوب می‌شوند. مرکز جهانی مطالعات پیشرفته تأکید دارد خلاقیت دانش‌آموز با عملکرد اقتصادی مرتبط است و به عنوان یک توانایی حیاتی برای قرن بیست و یکم در نظر گرفته می‌شود (Rahman et al, 2022: 43). به همین دلیل نظام‌های آموزشی باید خلاقیت را در دانش‌آموزان تقویت کنند تا آن‌ها بتوانند در دنیای پیچیده امروز نقش موثری ایفا کنند. آموزش خلاقیت به معنای ترغیب جوانان برای باور به پتانسیل خلاقانه خود و ایجاد احساسی از امکان و اعتماد به نفس برای آزمایش و تجربه‌های جدید است (Tang et al, 2022: 101032). به همین دلیل خلاقیت، عاملی کلیدی در حل مسئله، تفکر انتقادی و سازگاری با تغییرات است. گیلفورد (Guilford, 1950: 451) این مفهوم را به عنوان یک مهارت شناختی مستقل معرفی کرد. البته گیلفورد، خلاقیت را به عنوان توانایی

تفکر واگرا نیز تعریف کرد، یعنی تولید ایده‌های جدید و راه‌حل‌های متنوع برای یک مسئله (Ayasrah et al, 2023: 180).

در نظام‌های آموزشی پیشرو، خلاقیت نه تنها یک استعداد ذاتی، بلکه مهارتی قابل آموزش در نظر گرفته می‌شود. این مهارت تأثیر مستقیمی بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد و می‌تواند فرآیند یادگیری را عمیق‌تر و معنادارتر کند (Najafi & Rahimi, 2023: 44). برای درک بهتر این مسئله، ابتدا باید رفتار تحصیلی خلاقانه را تعریف کرد.

رفتار تحصیلی خلاقانه که مفهومی برگرفته از خلاقیت است به شیوه‌ای از یادگیری گفته می‌شود که در آن دانش‌آموزان رویکردی نوآورانه، انعطاف‌پذیر و انتقادی نسبت به مسائل درسی دارند. همچنین براساس پژوهش هان و همکاران (Han et al, 2022: 875266) رفتار خلاقانه به مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و فرایندهای عمدی اطلاق می‌شود که فرد برای تولید، ترویج و تحقق ایده‌های جدید انجام می‌دهد. این رفتار شامل مراحل متعددی همچون کاوش، تولید، پردازش و اجرای ایده‌ها است، که نشان‌دهنده غنای ساختاری آن در فرآیند نوآوری است.

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که رفتار تحصیلی خلاقانه تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. الف) ویژگی‌های فردی مانند هوش، انگیزه و پشتکار، ب) محیط آموزشی؛ معلمانی که روش‌های تدریس فعال و مشارکتی دارند، خلاقیت دانش‌آموزان را بیشتر پرورش می‌دهند. ج) منابع یادگیری، مانند دسترسی به کتاب‌های متنوع، ابزارهای فناوری و تجربیات عملی، د) فرهنگ و نگرش جامعه نسبت به خلاقیت؛ در جوامعی که تفکر انتقادی و ایده‌پردازی، ارزشمند تلقی می‌شود، دانش‌آموزان رفتار خلاقانه‌تری از خود نشان می‌دهند. ه) روش‌های ارزیابی؛ آزمون‌های استاندارد که تنها بر حفظیات تأکید دارند، خلاقیت را محدود می‌کنند، درحالی‌که ارزیابی‌های پروژه‌محور به دانش‌آموزان امکان می‌دهند راه‌حل‌های نوآورانه ارائه دهند (Tang et al, 2022: 101032). همچنین تحقیقات انجام شده توسط نجفی و رحیمی (Najafi & Rahimi, 2023: 42) و لیو و همکاران (Liu et al, 2023: 875) نشان داد که علاوه بر عوامل فوق، مهارت‌ها و سبک‌های تفکر نیز در بروز رفتار نوآورانه تأثیرگذارند.

سبک تفکر به شیوه‌ای گفته می‌شود که فرد برای پردازش اطلاعات، حل مسائل و تصمیم‌گیری از آن استفاده می‌کند. استرنبرگ و کافمن (Strenberg & Kaufman, 201: 8) معتقد است که همان‌گونه که در نظام‌های حکومتی، سبک‌های مختلفی برای مدیریت کشور وجود دارد، افراد نیز از سبک‌های متفاوتی برای سازمان‌دهی افکار و پردازش اطلاعات بهره می‌برند. علاوه بر این، پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند که سبک‌های تفکر تحلیلی، شهودی و کلی‌نگر نیز می‌توانند بر رفتار تحصیلی خلاقانه تأثیر بگذارند. دانش‌آموزانی که سبک تفکر تحلیلی دارند، به دنبال بررسی دقیق داده‌ها و جزئیات هستند، در حالی که افرادی با سبک تفکر شهودی بر ایده‌های نوآورانه و درک شهودی از مفاهیم تمرکز دارند. سبک تفکر کلی‌نگر نیز به

دانش‌آموزان کمک می‌کند تا ارتباطات بین موضوعات مختلف را ببینند و ایده‌های جدیدی ارائه دهند (Zhang et al, 2022: 670). بنابراین، سبک تفکر نه تنها بر نحوه پردازش اطلاعات تأثیر می‌گذارد، بلکه می‌تواند عاملی تعیین‌کننده در میزان بروز رفتارهای تحصیلی خلاقانه در دانش‌آموزان باشد (Lin et al, 2024: 5). با این حال، هنوز چگونگی این رابطه در بسیاری از زمینه‌های تحصیلی، از جمله دروس مرتبط با علوم انسانی مانند جغرافیا، نیازمند بررسی‌های بیشتر است. زیرا درس جغرافیا به عنوان یکی از دروس مهم و تحلیلی، بستری مناسب برای تقویت سبک‌های متنوع تفکر و بروز رفتارهای خلاقانه در دانش‌آموزان است. از سوی دیگر، شناخت سبک‌های تفکر دانش‌آموزان می‌تواند معلمان را در انتخاب روش‌های تدریس مؤثر یاری دهد و زمینه رشد فردی و تحصیلی آنان را فراهم سازد (An et al, 2023: 21467). این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی رابطه بین سبک‌های تفکر و رفتار تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه، درک بهتری از این متغیرها ارائه دهد. لذا هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه سبک‌های تفکر با رفتار تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه در درس جغرافیا است.

پیشینه و چارچوب نظری

مطالعه سبک‌های تفکر از دهه ۱۹۵۰ با هدف شناخت تأثیر تفاوت‌های فردی در فرایند یادگیری آغاز شد و به تدریج مفاهیمی مانند ادراک، یادگیری، تفکر و شخصیت را به هم پیوند داد. سبک‌ها به عنوان الگوهای پایدار رفتاری در حوزه‌های مختلف شناخته می‌شوند و از دیدگاه آلپورت (Allport, 1961: 73)، ابزاری برای تمایز بین انواع شخصیت‌ها و رفتارها هستند. هریسون و برامسون (Harrison & Bramson, 1982: 186) سبک‌های تفکر را مجموعه‌ای از روش‌های ذهنی می‌دانند که افراد معمولاً برای پردازش اطلاعات موجود و مواجهه با مسائل و موقعیت‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند.

گریگورنکو و استرنبرگ (Grigorenko & Sternberg, 1997: 301) بیان می‌کنند که سبک‌ها را می‌توان از سه دیدگاه متمایز مورد بررسی قرار داد. نخست، رویکرد شناخت‌محور که بر شیوه‌های پردازش اطلاعات تمرکز دارد و سبک را به عنوان بازتابی از عملکرد ذهنی و شیوه تفکر فرد در نظر می‌گیرد. دوم، رویکرد شخصیت‌محور که سبک‌ها را بخشی از ویژگی‌های پایدار شخصیتی افراد تلقی می‌کند. سوم، رویکرد فعالیت‌محور که سبک را در زمینه تعامل فرد با محیط و نوع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهد تعریف می‌کند. این تقسیم‌بندی کمک می‌کند تا

سبک‌ها را نه فقط از منظر توانایی ذهنی، بلکه با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی و رفتاری نیز تحلیل کنیم.

طبق نظریه استرنبرگ و لوبارت (Strenberg & Lubart, 2002: 258)، سبک‌های تفکر در پنج بعد اصلی قرار می‌گیرند: (۱) کارکردها (شامل سبک‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی)، (۲) اشکال (سبک‌های سلسله‌مراتبی، اولیگارش و آنارش)، (۳) سطوح (سبک‌های جهانی و محلی)، (۴) حوزه‌ها (سبک‌های محافظه‌کارانه و پیشرو) و (۵) محافظه‌کارانه درونی و بیرونی. این سبک‌ها از نظر تجربی به سه نوع مفهومی تجزیه و تحلیل شده‌اند و بررسی رابطه بین این سبک‌های تفکر و مهارت‌های تفکر انتقادی می‌تواند به دانش‌آموزان، معلمان و طراحان برنامه درسی کمک کند (Groza et al, 2016: 4187). فرد دارای سبک تفکر قانونی از انجام کارهایی که نیاز به خلاقیت و طراحی دارد، لذت می‌برد. فرد با سبک تفکر اجرایی، به پیروی از دستورات تمایل دارد و بیشتر به کارهایی علاقه‌مند است که با آموزش‌های صریح و روشن همراه باشد. فرد دارای سبک تفکر قضایی، بیشتر توجه خود را بر قضاوت و ارزیابی افراد و کارها متمرکز می‌کند. فرد دارای سبک تفکر سلسله‌مراتبی، تمایل دارد کارهای زیادی را انجام دهد و برای آنچه انجام می‌دهد، چگونگی، موقعیت آن، نحوه تخصیص انرژی و منابع آن اولویت‌بندی می‌کند. به عبارت دیگر، توجه خود را بین چند کار اولویت‌بندی شده، توزیع می‌نماید (Murphy & Janeke, 2009: 360). فرد با سبک تفکر اولیگارش، تمایل دارد در همان محدوده زمانی، کارهای زیادی انجام دهد، بدون اینکه هیچ اولویتی قائل شود. افراد با سبک تفکر آنارش، بیشتر از انجام کارهایی لذت می‌برند که در خصوص آن اختیار لازم را داشته باشند و تمایل دارد روش‌های تصادفی را برای حل مسائل به کار گیرد، از نظام‌ها، قواعد، دستورالعمل‌ها و به طور کلی از هر نوع محدودیتی بیزار است. افراد با سبک تفکر کل‌نگر به تصویر کلی یک موضوع، توجه می‌کنند و بر عقاید انتزاعی متمرکز می‌شوند. افراد با سبک تفکر جزئی‌نگر از انجام کارهایی لذت می‌برند که اجازه کار روی ابعاد ویژه و اصلی یک موضوع و جزئیات عینی و خاص آن‌ها را بدهد (Zhu & Zhang, 2011: 363).

افراد با سبک تفکر درونی از انجام کارهایی لذت می‌برند که بتوانند آن‌ها را به‌طور مستقل انجام دهند و بر دنیای درونی خویش متمرکز باشد. افراد با سبک تفکر بیرونی، کارهایی را ترجیح می‌دهند که فرصت تعامل با دیگران را به آن‌ها می‌دهد، بر جهان بیرون، متمرکز است و به دیگران وابسته است. افراد دارای سبک تفکر محافظه‌کار، متمایل به رعایت قوانین و روش‌های موجود در انجام کارها است و تمایل دارد کارها را با روش‌های از پیش تجربه‌شده و صحیح انجام دهد. افراد با سبک تفکر آزاداندیش از انجام کارهایی لذت می‌برند که تازگی و ابهام دارد و تمایل دارد کارها را با روش‌های جدید انجام دهد و با آداب و رسوم مخالف است (Strenberg & Lubart, 2002: 259).

رفتار خلاقانه را می‌توان به‌عنوان جلوه‌ای رفتاری و قابل مشاهده از فرآیند خلاقیت در نظر گرفت که با محوریت کنش، نگرش و فعالیت معنادار فرد در راستای تولید یا اکتشاف چیزهای جدید و مفید تعریف می‌شود. برخلاف خود خلاقیت که عمدتاً به عنوان توانایی یا فرایند ذهنی در تولید ایده‌های نو و ارزشمند در نظر گرفته می‌شود، رفتار خلاقانه به کنش‌هایی اطلاق می‌شود که به خلق یا شکل‌گیری آن ایده‌ها منجر می‌شوند. این رفتار، ریشه در ماهیت بازی‌گونه انسان دارد و همانند بازی، نوعی سازگاری و اکتشاف محسوب می‌شود که هدف آن تولید آثار فرهنگی، هنری یا راه‌حل‌های تازه است (Acar et al, 2020: 47).

همچنین در تعاریفی دیگر به مجموعه‌ای از اعمال و واکنش‌های نوآورانه اطلاق می‌شود که در پاسخ به محرک‌های محیطی یا درون‌فردی، منجر به تولید ایده‌ها، محصولات یا راه‌حل‌های جدید و مفید می‌گردد. این رفتارها معمولاً با ویژگی‌هایی چون اصالت، انعطاف‌پذیری، سیالی و پیچیدگی همراه هستند. از دیدگاه تحلیل رفتارگرایانه، رفتار خلاقانه شامل پاسخ‌هایی است که نادر، متنوع و ترکیبی از عناصر غیرمعمول بوده و در نتیجه به تولید نتایج مفید برای فرد یا جامعه منجر می‌شود (Cabra & Uribe-Larach, 2013: 268). همچنین در پژوهش اومامی و همکاران (Umami et al, 2024: 8) رفتارهای خلاقانه را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از اقدامات هدفمند تعریف کرد که فرد در جهت تولید ایده‌های نو و کاربردی انجام می‌دهد، این رفتارها معمولاً در تعامل با محیط، انگیزه، مهارت و شایستگی فردی شکل می‌گیرند و در مسیر دستیابی به نوآوری قرار دارند. به‌طور کلی، رفتار خلاقانه، فرآیندی است که در آن فرد با بهره‌گیری از تفکر واگرا و توانایی‌های شناختی خود، به تولید ایده‌ها و راه‌حل‌های نوآورانه می‌پردازد که همزمان دارای نوآوری و کاربردی‌پذیری هستند (Yayla & Ilgin, 2023: 1263).

در همین راستا، پژوهش رحمان و همکاران (Rahman et al, 2022: 43) با عنوان «عوامل مؤثر بر رفتارهای نوآورانه در بین دانشجویان در منطقه جنوبی مالزی» انجام شد. هدف این مطالعه بررسی درک دانشجویان کارشناسی از شایستگی‌های رهبری و تأثیر آن بر رفتار نوآورانه بود. نتایج این تحقیق نشان داد که رشد شناختی/تحلیلی، مهارت‌های بین‌فردی و مهارت‌های شایستگی رهبری دانشجویان همگی در پیش‌بینی رفتار نوآورانه آنان تأثیر گذارند و به‌ویژه مهارت‌های بین‌فردی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار شناسایی شد.

پژوهش نجفی و رحیمی در سال (Najafi & Rahimi, 2023: 42) با عنوان «پیش‌بینی رفتار نوآورانه تحصیلی دانشجویان بر اساس مهارت‌های تفکر، مهارت‌های کار گروهی و توانایی‌های حل مسئله» انجام شد.

نتایج حاصله نشان داد که رفتار نوآورانه دانشجویان، متأثر از مهارت‌های تفکر و کار تیمی است. پژوهش لیو و همکاران (Liu et al, 2023: 875) تحت عنوان «سبک‌های تفکر و خلاقیت:

نقش میانجی سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان» بود. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که سبک تفکر ارتباط مثبت و معناداری با خلاقیت دانشجویان دارد و سازگاری روانشناختی به‌عنوان یک میانجی، ارتباط متقابل سبک‌های تفکر و خلاقیت را واسطه‌گری می‌کند.

پژوهش پانک و کیم (Paek & Kim, 2024) با عنوان «ویژگی‌های تبیین‌کننده رفتار خلاق دانش‌آموزان در کره جنوبی» انجام شد. با استفاده از روش تجزیه و تحلیل جنگل تصادفی و ارزیابی پاسخ‌های ۶۵۴۶ دانش‌آموز کلاس هشتم به ۲۰ سؤال، این مطالعه به شناسایی متغیرهای فردی مؤثر بر خلاقیت پرداخت. نتایج نشان داد که پنج ویژگی اصلی شامل مشارکت مدنی، خودتنظیمی، مهارت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، بلوغ شغلی، نگرش مثبت نسبت به مدرسه و یادگیری، به‌طور معناداری بر رفتارهای خلاقانه تأثیرگذار بودند.

باری و همکاران (Barry et al, 2024: 442) به ارزیابی رابطه بین سبک‌های تفکر و عملکرد تحصیلی در بین دانشجویان پرستاری و پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه پرداختند. نتایج نشان داد بین سبک‌های تفکر دانشجویان پرستاری و پزشکی و عملکرد تحصیلی آنها همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و هر دو گروه تفاوت آماری معناداری بین سبک‌های تفکر و عملکرد تحصیلی بر اساس جنسیت داشتند.

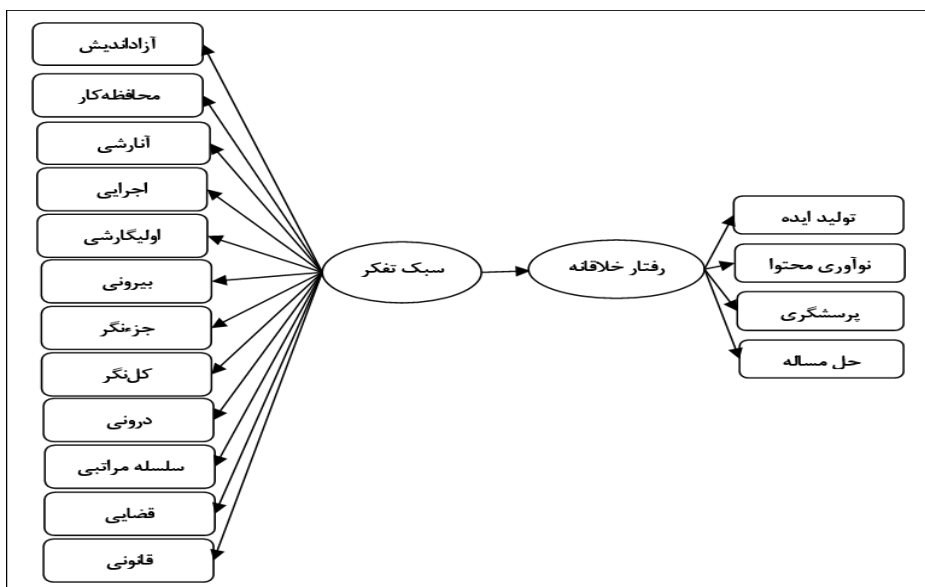
هوانگ و همکاران (Huang et al, 2024: 788) در پژوهش خود به بررسی پرورش تفکر جغرافیایی دانش‌آموزان با استفاده از نقشه ذهنی موضوع جغرافیایی پرداختند. هفت معلم جغرافیا و دانش‌آموزان آنها از هشت مقطع تحصیلی در هفت استان و شهر چین برای شرکت در این مطالعه انتخاب شدند. معلمان به دانش‌آموزان نحوه استفاده از نقشه‌های ذهنی موضوعی جغرافیایی را که برای توسعه تفکر ترکیبی جغرافیایی دانش‌آموزان در کلاس درس جغرافیا طراحی شده بودند، آموزش دادند. پس از چهار جلسه آزمایشی، سطح تفکر ترکیبی جغرافیایی ۲۶۷ دانش‌آموز شرکت‌کننده، بهبود قابل توجهی را نشان داد و تفاوت آماری معنی‌داری بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون مشاهده شد. سطح کاربرد نقشه‌های ذهنی موضوعی جغرافیایی توسط معلمان در تدریس، همبستگی معنادار و مثبتی با پیشرفت دانش‌آموزان در تفکر ترکیبی جغرافیایی داشت، که نشان می‌دهد استفاده استاندارد از نقشه‌های ذهنی موضوعی جغرافیایی مطابق با استانداردهای کاربرد تدریس می‌تواند به طور مؤثر سطح تفکر ترکیبی جغرافیایی دانش‌آموزان را بهبود بخشد.

سوهرم‌ن و ویداکوویچ (Suherman & Vidákovich, 2025: 2) در پژوهش خود با عنوان «خودکارآمدی خلاق، نگرشها و سبک تفکر خلاق و سواد محیطی و ترویج تفکر خلاق در ریاضی» به این نتیجه رسیدند که تفکر خلاق در ریاضیات برای توسعه مهارت‌های قرن بیست و یکم بسیار مهم است، اما تفکر خلاق ریاضی دانش‌آموزان اغلب به دلیل تمرکز ناکافی بر عوامل غیرشناختی مانند خودکارآمدی خلاق، نگرش نسبت به ریاضیات، سبک خلاق و سواد محیطی

توسعه نیافته است. نتایج نشان داد که روابط مثبت و معناداری بین مولفه‌های فوق با خلاقیت در ریاضی وجود دارد.

با وجود شواهد موجود در مورد اهمیت رفتار تحصیلی خلاقانه و پتانسیل سبک‌های متعدد تفکر در ارتقای این رفتارها و ویژگی‌ها، همچنان یک شکاف پژوهشی در این زمینه وجود دارد. بیشتر تحقیقات پیشین بر روی مفهوم کلی خلاقیت تمرکز داشته‌اند و رفتارهای تحصیلی مرتبط با آن را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار نداده‌اند. همچنین بسیاری از پژوهش‌های موجود در زمینه خلاقیت، بیشتر به بررسی ویژگی‌های شخصیتی، محیط آموزشی یا روش‌های تدریس پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، تحقیقات محدودی به بررسی تأثیر مستقیم سبک‌های تفکر بر رفتار تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان، پرداخته‌اند. این پژوهش تلاش می‌کند تا رفتار تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان مقطع متوسطه در درس جغرافیا را به‌عنوان یک متغیر مجزا مطالعه کند و عوامل مؤثر بر آن، به‌ویژه سبک‌های تفکر را مورد ارزیابی قرار دهد.

بر این اساس و با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش، شکل (۱) بیانگر الگوی مفهومی و نظری پژوهش است.



شکل (۱) الگوی مفهومی و نظری پژوهش

روش این پژوهش بر اساس هدف، کاربردی و از نظر شیوه اجرا، توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهر ناصریه به تعداد ۳۲۸۱۷ نفر در سال تحصیلی ۲۰۲۴-۲۰۲۵ بود. قابل ذکر است که شهر ناصریه، مرکز استان دیقار عراق، از نظر جغرافیایی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی مانند تالاب‌های بین‌المللی هورالهویزه، هورالحمار، رودخانه دجله و فرات و همسایگی با کویر است. این تنوع جغرافیایی طبیعی و انسانی، بستری بسیار غنی برای تدریس پویا و خلاقانه در درس جغرافیاست. همچنین سیستم آموزشی عراق، به ویژه در درس جغرافیا، پس از سال‌ها، در حال بازنگری و توجه به روش‌های خلاقانه است. بررسی این فرایند در یک شهر با اهمیت تاریخی و جغرافیایی مانند ناصریه می‌تواند الگویی برای سایر مناطق مشابه باشد. به علاوه علیرغم اهمیت آموزشی و فرهنگی، شهر ناصریه در مقایسه با کلان شهرهایی مانند بغداد یا اربیل، کمتر مورد توجه پژوهش‌های علمی در حوزه روانشناسی تربیتی و روش‌های تدریس خلاقانه قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر قصد دارد با تمرکز بر این شهر، شکاف موجود در این زمینه را پر کند. با توجه به جامعه آماری، حجم نمونه شامل ۳۶۰ نفر از دانش آموزان مقطع متوسطه شهر ناصریه بود که از طریق فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند؛ بدین صورت که ابتدا از میان نواحی آموزشی شهر ناصریه، چند ناحیه، سپس از هر ناحیه، چند مدرسه متوسطه و در نهایت، از هر مدرسه نیز به صورت تصادفی کلاس‌های رشته انسانی که درس جغرافیا یکی از دروس آنها بود انتخاب گردیدند. از بین کل دانش آموزان مورد بررسی، حدود ۵۳ درصد، دختر و ۴۷ درصد، پسر، حدود ۳۵/۶ درصد مقطع تحصیلی هفتم، ۳۴/۷ درصد مقطع هشتم و ۲۹/۷ درصد مقطع تحصیلی نهم هستند.

ابزار پژوهش دو پرسشنامه بود: الف) پرسشنامه سبک‌های تفکر: پرسشنامه استاندارد سبک‌های تفکر (Sternberg & Wagner, 1997: 88) شامل ۶۰ سؤال بسته پاسخ بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) در سیزده سبک قانون‌گذارانه، اجرایی، قضایی، موناشری، سلسله‌مراتبی، اولیگارشی، آنارشی، کلی، جزئی، درونی، بیرونی، آزادمنشانه و محافظه‌کارانه بود. روایی و پایایی پرسشنامه سبک‌های تفکر توسط استرنبرگ و واگنر (Sternberg & Wagner, 1997: 89) تایید شد. آنها مطالعات گسترده‌ای در مورد پایایی و روایی پرسشنامه سبک‌های تفکر انجام دادند. ضرایب همسانی درونی برای خرده مقیاس‌ها از ۰/۵۶ برای سبک تفکر اجرایی تا ۰/۸۸ برای سبک تفکر کلی، با میانگین کلی ۰/۷۸ متغیر بود. ب) پرسشنامه محقق ساخته رفتار خلاقانه تحصیلی در درس جغرافیا: پرسشنامه حاضر شامل ۲۰ سؤال در چهار مؤلفه تولید ایده نو، حل خلاقانه مسائل، پرسشگری خلاقانه و نوآوری در ارائه محتوا بود.

جدول (۱) نتایج سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرایی متغیرهای پژوهش

متغیرها	بار عاملی	نتایج	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	AVE	نتایج
سبک‌های تفکر	۰/۴۷۶ تا ۰/۸۱۷	تایید	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۵۰	تایید
رفتار خلاقانه	۰/۷۶۸ تا ۰/۸۴۶	تایید	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۶۵	تایید

با توجه به نتایج جدول (۱)، شاخص‌های ضریب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین واریانس استخراجی همه متغیرها از مطلوبیت خوبی برخوردارند. در متغیر سبک تفکر، سبک تفکر قضایی با ۰/۸۱۷ و در متغیر رفتار تحصیلی خلاقانه، مولفه حل خلاقانه مسائل با ۰/۸۴۶ دارای بیشترین بار عاملی بودند.

جدول (۲) معیار فورنل و لانکر برای روایی واگرا

شاخص‌ها	سبک‌های تفکر	رفتار خلاقانه
سبک‌های تفکر	۰/۷۰۸	
رفتار خلاقانه	۰/۴۲۷	۰/۸۰۷

معیار فورنل و لانکر اشاره به این مساله دارد که ریشه دوم مقادیر واریانس شرح داده شده (AVE) هر سازه، بزرگتر از مقادیر همبستگی آن سازه با سازه‌های دیگر باشد و مقادیر موجود در روی قطر اصلی ماتریس، باید از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوطه بزرگتر باشد. لذا معیار فورنل و لانکر برای سبک‌های تفکر (۰/۷۰۸) و رفتار تحصیلی خلاقانه (۰/۸۰۷) بدست آمد که از کلیه مقادیر موجود در ستون مربوطه بزرگتر است و نشان‌دهنده آن است که در مدل پژوهش، دارای اعتبار تشخیصی مناسبی است. پایایی پرسشنامه‌ها از طریق ضریب آلفای کرونباخ برای سبک‌های تفکر (۰/۹۱) و رفتار تحصیلی خلاقانه (۰/۸۳) بدست آمد.

یافته‌ها

تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی) و استنباطی (تی تک نمونه، تی مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون خطی، تحلیل مسیر در حالت استاندارد و بوت استرپ) با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS نسخه ۲۶ و اسمارت پی.ال.اس انجام شد.

در ابتدا، آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی) متغیر سبک‌های تفکر و رفتار خلاقانه تحصیلی و ابعاد آن آورده شده است.

جدول (۳) شاخص‌های توصیفی و آزمون نرمالیتی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
-------	---------	--------------	-------	--------

سبک تفکر	۱۴۷/۹۰	۲۰/۹۹	۰/۸۶	۰/۴۷۵
تفکر قانونی	۱۱/۹۶	۲/۶۲	۰/۳۸	-۰/۱۰
تفکر اجرایی	۱۰/۱۸	۲/۱۱	۰/۲۱	۰/۴۵
تفکر قضایی	۱۱/۱۷	۳/۶۳	۰/۹۶۵	۰/۳۲۸
تفکر مونارشی	۱۰/۴۰	۲/۴۷	۰/۷۸	۰/۵۶
تفکر سلسله مراتبی	۱۲/۱۴	۲/۶۶	۰/۳۵	۰/۰۴۶
تفکر اولیگارشی	۹/۸۷	۲/۵۳	۱/۲۰	۲/۴۱
تفکر آنارشی	۱۱/۹۷	۲/۸۲	۰/۷۷	۰/۱۲۶
تفکر کل نگر	۱۱/۴۲	۲/۱۹	۰/۶۳	۰/۲۴
تفکر جزئی نگر	۱۱/۴۸	۲/۲۵	۰/۵۴	۰/۱۲۳
تفکر درونی	۱۱/۹۸	۲/۶۳	۰/۳۹	-۰/۱۱
تفکر بیرونی	۱۲/۱۴	۲/۶۳	۰/۳۳	۰/۰۱
تفکر آزاداندیش	۱۱/۴۶	۲/۱۸	۰/۶۴	۰/۳۳
تفکر محافظه کارانه	۱۱/۷۰	۲/۱۶	۰/۶۳	۰/۳۵
رفتار خلاقانه تحصیلی	۴۶/۰۵	۱۱/۴۶	۱/۱۴۵	۰/۸۵
تولید ایده	۱۰/۷۰	۳/۷۵	۰/۷۹	-۰/۱۸
حل مساله	۱۲/۲۲	۳/۴۴	۰/۹۱	۰/۸۷
پرسشگری	۱۲/۱۰	۳/۷۰	۱/۰۹	۱
نوآوری در محتوا	۱۱/۰۴	۳/۲۲	۱/۱۴	۰/۷۴

در جدول (۳)، میانگین متغیر سبک تفکر برابر ۱۴۷/۹۰ و میانگین متغیر رفتار خلاقانه تحصیلی برابر ۴۶/۰۵ است. در متغیر سبک تفکر، بالاترین میانگین مربوط به سبک تفکر سلسله مراتبی و کمترین میانگین مربوط به سبک تفکر اولیگارشی بود. در متغیر رفتار خلاقانه تحصیلی، بالاترین میانگین مربوط به مولفه حل خلاقانه مساله و کمترین میانگین مربوط به تولید ایده نو بود. همچنین از آنجایی که میزان چولگی متغیرها و مولفه های مربوط به آن بین (۲ تا -۲) و کشیدگی (۳ تا -۳) است؛ بنابراین شرط کافی برای تأیید نرمال بودن را دارند.

جدول (۴) مقایسه سبک های تفکر و رفتار نوآورانه دانش آموزان بر حسب جنس

متغیر	سطح	تعداد	میانگین	t	Sig
سبک تفکر قانونی	دختر	۱۸۹	۱۲/۳۵	۳/۰۴۹	۰/۰۰۲
	پسر	۱۷۱	۱۱/۵۳		
تفکر اجرایی	دختر	۱۸۹	۱۰/۱۲	-۰/۵۳	۰/۶۰
	پسر	۱۷۱	۱۰/۲۴		
تفکر قضایی	دختر	۱۸۹	۱۱/۱۸	۰/۰۵۷	۰/۹۵
	پسر	۱۷۱	۱۱/۱۶		

تفکر مونارشی	دختر	۱۸۹	۱۰/۲۳	۱/۳۸ -	۰/۱۷
	پسر	۱۷۱	۱۰/۶۰		
تفکر سلسله مراتبی	دختر	۱۸۹	۱۲/۵۴	۳/۰۳	۰/۰۰۳
	پسر	۱۷۱	۱۱/۷۰		
تفکر اولیگارش	دختر	۱۸۹	۹/۵۰	۲/۹۶ -	۰/۰۰۳
	پسر	۱۷۱	۱۰/۲۸		
تفکر آنارشی	دختر	۱۸۹	۱۱/۵۲	۳/۲۴ -	۰/۰۰۱
	پسر	۱۷۱	۱۲/۴۷		
تفکر کل‌نگر	دختر	۱۸۹	۱۱/۷۳	۲/۸۰	۰/۰۰۵
	پسر	۱۷۱	۱۱/۰۸		
تفکر جزئی‌نگر	دختر	۱۸۹	۱۱/۴۴	۰/۳۷ -	۰/۷۱۴
	پسر	۱۷۱	۱۱/۵۲		
تفکر درونی	دختر	۱۸۹	۱۱/۶۶	۲/۴۸ -	۰/۰۱۴
	پسر	۱۷۱	۱۲/۳۴		
تفکر بیرونی	دختر	۱۸۹	۱۱/۷۶	۲/۹۴ -	۰/۰۰۴
	پسر	۱۷۱	۱۲/۵۷		
تفکر آزاداندیش	دختر	۱۸۹	۱۱/۷۵	۲/۶۵	۰/۰۰۸
	پسر	۱۷۱	۱۱/۱۴		
تفکر محافظه کارانه	دختر	۱۸۹	۱۱/۷۳	۰/۳۵۵	۰/۷۲
	پسر	۱۷۱	۱۱/۶۵		
تولید ایده	دختر	۱۸۹	۱۰/۲۴	۲/۴۴ -	۰/۰۱۵
	پسر	۱۷۱	۱۱/۲۰		
حل مساله	دختر	۱۸۹	۱۲/۴۳	۱/۲۶	۰/۲۱
	پسر	۱۷۱	۱۱/۹۸		
پرسشگری	دختر	۱۸۹	۱۲/۹۱	۴/۴۸	۰/۰۰۰
	پسر	۱۷۱	۱۱/۲۰		
نوآوری در محتوا	دختر	۱۸۹	۱۱/۴۷	۲/۶۷	۰/۰۰۸
	پسر	۱۷۱	۱۰/۵۷		

طبق جدول (۴) تحلیل توصیفی نشان می دهد در سبک‌های تفکر قانونی، سلسله‌مراتبی، کل‌نگر، درونی و آزاداندیش، دانش‌آموزان دختر و در سبک‌های تفکر اجرایی، مونارشی، اولیگارش، آنارشی، جزئی‌نگر و بیرونی، دانش‌آموزان پسر، میانگین بالاتری داشتند. آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد این تفاوت‌ها فقط برای سبک‌های قانونی، سلسله‌مراتبی، کل‌نگر، درونی، آزاداندیش، اولیگارش و آنارشی، معنادار است. همچنین در متغیر رفتار خلاقانه، مولفه‌های حل مساله، پرسشگری و نوآوری در محتوا در دانش‌آموزان دختر و مولفه تولید محتوا در

دانش‌آموزان پسر، میانگین بالاتری داشتند. آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد این تفاوت‌ها فقط برای مولفه حل مساله، معنادار نبود.

جدول (۵) ضرایب مسیر متغیرها

متغیر	Beta	t	P
سبک‌های تفکر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه	۰/۴۲۷	۱۲/۵۸۷	۰/۰۰۱

ضریب مسیر متغیرها نشان داد سبک‌های تفکر با ($Beta=0/427$)، روی رفتارهای تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان، تأثیر مثبت و معنادار دارد.

جدول (۶) معیار ضریب تعیین

متغیر	R^2	نتیجه	f-Square	نتیجه
سبک‌های تفکر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه	۰/۱۸۲	متوسط	۰/۲۲	متوسط

طبق جدول (۶)، مقدار ضریب تعیین به میزان ۰/۱۸۲ برای متغیر سبک‌های تفکر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، در حد متوسط و شدت رابطه به میزان ۰/۲۲ نیز در حد متوسط است.

جدول (۸) ضرایب همبستگی رابطه بین سبک‌های تفکر و رفتار خلاقانه

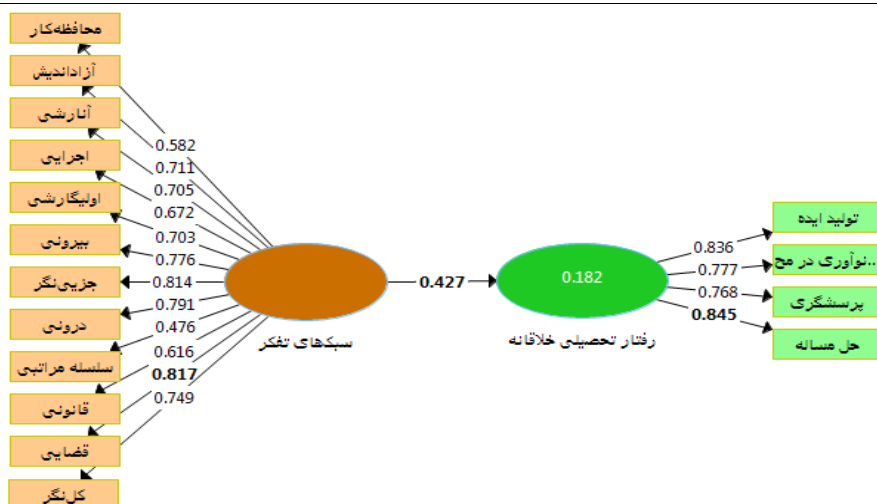
متغیر	R	Sig	نتیجه
تفکر قانونی و رفتار خلاقانه	۰/۱۹	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار
تفکر اجرایی و رفتار خلاقانه	۰/۱۶	۰/۰۰۳	مثبت و معنادار
تفکر قضایی و رفتار خلاقانه	۰/۲۹	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار
تفکر مونارشی و رفتار خلاقانه	۰/۱۸	۰/۰۰۱	مثبت و معنادار
تفکر سلسله مراتبی و رفتار خلاقانه	۰/۱۷	۰/۰۰۱	مثبت و معنادار
تفکر اولیگارش‌ی و رفتار خلاقانه	۰/۲۲	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار
تفکر آنارش‌ی و رفتار خلاقانه	-۰/۱۱	۰/۰۳۶	منفی و معنادار
تفکر کل‌نگر و رفتار خلاقانه	۰/۲۰	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار
تفکر جزئی‌نگر و رفتار خلاقانه	۰/۳۲	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار
تفکر درونی و رفتار خلاقانه	۰/۴۰	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار
تفکر بیرونی و رفتار خلاقانه	۰/۳۹	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار
تفکر آزاداندیش و رفتار خلاقانه	۰/۳۸	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار
تفکر محافظه‌کارانه و رفتار خلاقانه	۰/۳۱	۰/۰۰۰	مثبت و معنادار

طبق جدول (۷)، ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین سبک‌های تفکر قانونی، اجرایی، قضایی، کل‌نگر، جزئی‌نگر، مونارشی، سلسله‌مراتبی، اولیگارشی درونی، بیرونی، آزاداندیش و محافظه‌کارانه با رفتار تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معنادار و بین سبک تفکر آنارشی و رفتار تحصیلی خلاقانه، رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

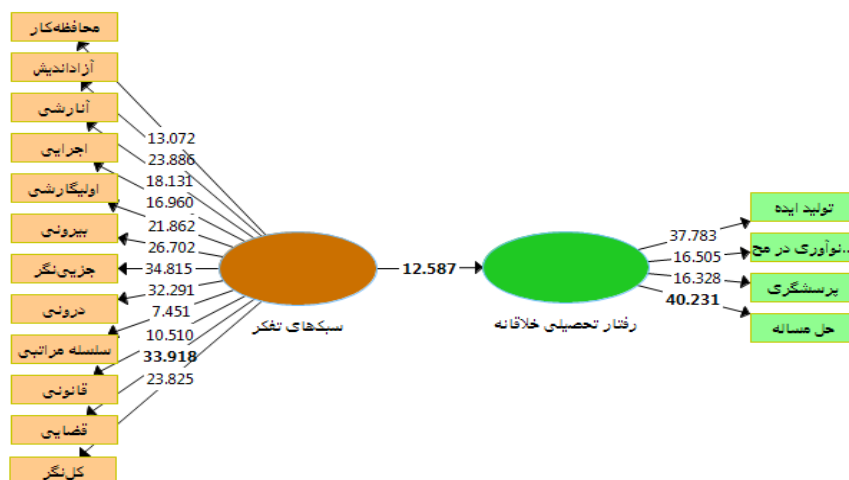
جدول (۸) ضرایب رگرسیون وزن و سهم هر کدام از سبک‌های تفکر در پیش‌بینی رفتار خلاقانه

متغیر	Beta	t	Sig
سبک تفکر قانونی	۰/۲۷	۲/۲۶	۰/۰۲۴
تفکر اجرایی	۰/۰۱	۰/۱۲	۰/۹۰
تفکر قضایی	۰/۰۵۵	۰/۶۲	۰/۵۳
تفکر مونارشی	۰/۱۷	۲/۱۴	۰/۰۳۳
تفکر سلسله‌مراتبی	۰/۱۵	۱/۲۳	۰/۲۲
تفکر اولیگارشی	۰/۰۹۶	۱/۴۷	۰/۱۴
تفکر آنارشی	-۰/۲۴	۳/۲۳	۰/۰۰۱
تفکر کل‌نگر	۰/۰۲۷	۰/۵۳۸	۰/۵۹
تفکر جزئی‌نگر	۰/۱۷۷	۲/۳۶	۰/۰۱۹
تفکر درونی	۰/۳۲۷	۲/۲۸	۰/۰۲۳
تفکر بیرونی	۰/۱۳	۰/۹۵	۰/۳۴
تفکر آزاداندیش	۰/۲۵۵	۳/۵۱	۰/۰۰۱
تفکر محافظه‌کارانه	۰/۰۹۲	۱/۴۰	۰/۱۶۳

طبق جدول (۸)، ضرایب رگرسیون نشان داد که فقط سبک‌های تفکر قانونی، مونارشی، آنارشی، جزئی‌نگر، درونی و آزاداندیش، قابلیت پیش‌بینی رفتار تحصیلی خلاقانه دانش‌آموزان را دارند.



شکل (۲) تحلیل مسیر رابطه بین متغیرها در حالت ضرایب استاندارد



شکل (۳) تحلیل مسیر رابطه بین متغیرها در حالت معناداری

بحث

نتایج نشان داد در متغیر سبک تفکر، بالاترین میانگین مربوط به سبک تفکر سلسله‌مراتبی و کمترین میانگین مربوط به سبک تفکر اولیگارش‌ی بود. این نشان می‌دهد که در زمینه تفکر سلسله‌مراتبی، اکثر دانش‌آموزان دوست دارند قبل از انجام کارهای ضروری، اولویت‌هایی برای خود تعیین کنند، در حل مسائل می‌دانند که هر کدام از آنها از چه اهمیتی برخوردارند و به چه ترتیبی باید به آنها بپردازند، هنگامی که کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارند، از ترتیب انجام آنها به خوبی آگاهند و هنگام شروع یک تکلیف، دوست دارند فهرستی از کارهایی را که

باید انجام دهند تهیه کرده و آنها را بر اساس اهمیت، مرتب کنند. در همین راستا، قنبری و همکاران (Ghanbari et al, 2020: 82) نشان دادند که سبک‌های تفکر سلسله‌مراتبی و بیرونی سبک‌های تفکر غالب دانشجویان کاردرمانی بودند و سبک‌های کلی و درونی پایین‌ترین میانگین را داشتند. بر خلاف نتیجه تحقیق حاضر آلجو (Aljojo, 2017: 333) سبک تفکر غالب دانش‌آموزان در عربستان را سبک محافظه کار و سبک کمتر رایج را سبک تفکر سلسله‌مراتبی ارزیابی کردند.

در متغیر رفتار خلاقانه تحصیلی، بالاترین میانگین مربوط به مولفه حل مساله و کمترین میانگین مربوط به تولید ایده بود. این نشان می‌دهد که در زمینه حل مساله، اکثر دانش‌آموزان معتقدند اگر در نقشه‌خوانی مشکل داشته باشند، روش خاص خود را برای فهم آن به کار می‌برند، در فعالیت‌های کلاسی، برای مسائل جغرافیایی راه‌حلی‌هایی ارائه می‌دهند که از راه‌های معمول متفاوت‌اند، تلاش می‌کنند مسائل مربوط به آب‌وهوا یا زمین‌شناسی را با رویکرد جدیدی بررسی کنند و برای حل مشکلات زیست‌محیطی منطقه‌شان، طرح‌های ابتکاری ارائه می‌دهند. در همین زمینه و بر خلاف نتایج تحقیق حاضر، برزگر و همکاران (Barzegar et al, 2021: 43) وضعیت دانشگاه آزاد تهران را در خلق ظرفیت نوآورانه و قابلیت حل مساله، پایین‌تر از حد متوسط ارزیابی کردند.

طبق نتایج، در سبک‌های تفکر قانونی، سلسله‌مراتبی، کل‌نگر، درونی و آزاداندیش، دانش‌آموزان دختر و در سبک‌های تفکر اجرایی، مونارشی، اولیگارشی، آنارشی، جزئی‌نگر و بیرونی، دانش‌آموزان پسر، میانگین بالاتری داشتند؛ اما این تفاوت‌ها فقط برای سبک‌های قانونی، سلسله‌مراتبی، کل‌نگر، درونی، آزاداندیش، اولیگارشی و آنارشی، معنادار بود. در همین راستا حسن‌الدین (Hasanuddin, 2021: 267) در ارزیابی سبک‌های تفکر دانش‌آموزان در دبیرستان‌های شهر مدان اندونزی، نشان داد تنها دو نوع سبک تفکر لیبرال و سبک تفکر محافظه‌کار بین زنان و مردان متفاوت بود و بقیه سبک‌ها تفاوت معناداری نداشتند. همچنین آلجو (Aljojo, 2017: 340) در مقایسه سبک تفکر دانش‌آموزان پسر و دختر در عربستان، نشان داد سبک‌های تفکر دانش‌آموزان دختر به صورت اجرایی، سلسله‌مراتبی، بیرونی و آزاداندیش و سبک‌های تفکر دانش‌آموزان پسر قضایی، سلسله‌مراتبی، بیرونی و محافظه‌کار بود. اما این تفاوت‌ها فقط برای اجرایی، قضایی و محافظه‌کار، معنادار بود و در بقیه سبک‌ها تقریباً یکسان بودند. اما باری و همکاران (Barry et al, 2024: 442) نشان دادند بین سبک‌های تفکر دانشجویان پرستاری و پزشکی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه بر حسب جنسیت تفاوت معنادار وجود دارد. قابل تبیین است که جنسیت می‌تواند در شکل‌گیری سبک‌های تفکر نقش مهمی داشته باشد. در بیشتر فرهنگ‌ها، صفات خاصی به مردان (مثل استقلال و منطق) و به زنان

(مثل وابستگی و عاطفه) نسبت داده می‌شود. این باورهای قالبی از کودکی در تربیت افراد نهادینه می‌شوند و باعث تقویت سبک‌های خاصی در هر جنس می‌گردند. مردان معمولاً بیشتر به سبک‌های قانون‌گذارانه، درونی و آزادمنشانه گرایش دارند، در حالی که زنان به سبک‌های اجرایی، بیرونی و محافظه‌کارانه. برخی از این تفاوت‌ها از نظر آماری معنادارند و اغلب به‌صورت ناآگاهانه توسط والدین یا مربیان تقویت می‌شوند (Strenberg & Kuafman, 2018: 8).

همچنین در متغیر رفتار خلاقانه، دانش‌آموزان دختر در مولفه‌های حل مساله، پرسشگری و نوآوری در محتوا و دانش‌آموزان پسر در مولفه تولید محتوا، میانگین بالاتری داشتند؛ اما این تفاوت‌ها فقط برای مولفه حل مساله، معنادار نبود. این نتیجه نشان داد جنسیت در افزایش یا کاهش رفتار خلاقانه تحصیلی دانش‌آموزان، تاثیر دارد. در همین راستا، پژوهش پیاو (Piaw, 2014: 5135) با عنوان تاثیر جنسیت و سبک تفکر بر توانایی تفکر خلاق دانش‌آموزان «نشان داد که جنسیت با توانایی تفکر خلاق همبستگی معناداری دارد. اما بر خلاف نتیجه تحقیق حاضر، تیلور (Taylor, 2025) در یک مرور سیستماتیک و فراتحلیل نشان داد تفاوت‌های جنسیتی نمی‌تواند در میانگین و تغییرپذیری نمرات توانایی خلاقیت، موثر باشد.

نتایج نشان داد بین دو متغیر سبک تفکر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. در راستای همسویی با نتیجه فوق می‌توان به مطالعه نجفی و رحیمی (Najafi & Rahimi, 2023: 40)، رحمان و همکاران (Rahman et al, 2022: 43)، لیو و همکاران (Liu et al, 2023: 875) و سوه‌رم‌ن و ویداکوویچ (Suherman & Vidákovich, 2025: 1) اشاره کرد که نشان دادند سبک‌های تفکر قابلیت پیش‌بینی رفتارهای نوآورانه را دارند. در خصوص تبیین یافته‌های فوق، می‌توان به این موضوع اشاره کرد که سبک‌های تفکر، بیشتر به جستجوی گزینه‌های متنوع، دیدگاه‌های جایگزین، پذیرش ریسک و تحلیل دقیق مشکلات و تفصیل داده‌ها می‌پردازند و زمینه را برای ایده‌های نو فراهم می‌کنند و در عین حال، تفکر باز با تجربه کاوشی و بازسازی فرضیات، مستقیماً به رفتارهای خلاقانه می‌انجامد. ضمناً خلاقیت می‌تواند به صورت بازسازی ایده‌ها یا انجام نوآوری‌های بنیادی بروز کند و برخی سبک‌های تفکری نیز ممکن است در هر نوع از این خلاقیت‌ها نقش متفاوتی ایفا کنند. با این حال، هنوز چگونگی این رابطه در بسیاری از زمینه‌های تحصیلی، از جمله دروس مرتبط با علوم انسانی مانند جغرافیا، نیازمند بررسی‌های بیشتر است.

طبق نتایج، بین سبک تفکر قانونی و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این سبک از قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه، برخوردار است. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق یانگ و لین (Yang & Lin, 2004: 34) و ساینی و همکاران (Saini et al, 2022) همسویی و مطابقت دارد. قابل تبیین است که فرد دارای سبک تفکر قانونی از انجام کارهایی که نیاز به خلاقیت و طراحی دارد، لذت می‌برد. افراد دارای سبک تفکر

قانونی، دوست دارند خود، روش‌هایی برای انجام دادن کارها ارائه دهند؛ یعنی کارها را به شیوه مطلوب خود انجام دهند و خود تصمیم بگیرد که چه کاری را انجام دهد. بنابراین، خود رأی و خلاق است و همچنین علاقمند به خلق و تدوین و طراحی امور هستند (Saini et al, 2022).

نتایج نشان می‌دهد بین سبک تفکر اجرایی و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را ندارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق لی-فانگ (Li-Fang, 2006: 1177) و ساینی و همکاران (Saini et al, 2022) همسویی و مطابقت دارد. قابل ذکر است که سبک تفکر اجرایی معمولاً شامل نظارت بر اجرای وظایف، سازماندهی منابع، پایش پیشرفت و تطبیق است و این سبک با توانایی برنامه‌ریزی، مدیریت زمان و انتخاب گزینه‌های عملی همسو است و در این میان، خلاقیت تحصیلی نیز با تولید ایده و به کارگیری ایده‌ها و ارائه نوآورانه نتیجه همراه است و در صورتی که با تفکر اجرایی ترکیب شود می‌تواند به شکل موثری، ایده‌های نو را به پروژه‌های ملموس و قابل ارائه تبدیل کنند. ضمناً افرادی که سبک اجرایی قالب دارند معمولاً به انجام کارهای عملی و دیدن نتایج محسوس تشویق می‌شوند و این تجربه موفقیت‌های کوچک می‌تواند انگیزه برای کاوش ایده‌های جدید و به کارگیری آنها در قالب فعالیت‌های تحصیلی را فراهم کند (Li-Fang, 2006: 1180).

نتایج نشان می‌دهد بین سبک تفکر قضایی و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را ندارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق یانگ و لین (Yang & Lin, 2004: 33) و ساینی و همکاران (Saini et al, 2022) همسو و با نتیجه تحقیق ژانگ (Zhang, 2003: 323) همسو نیست. قابل ذکر است که سبک تفکر قضایی معمولاً به ارزیابی دقیق شواهد، تحلیل استدلال و بازخورد منظم منجر می‌شود و این چرخه بازخورد به بهبود تصمیمات خلاقانه و ارائه نتایج قابل دفاع کمک می‌کند. ضمن اینکه با وجود سبک قضایی، دانش‌آموزان تمایل به دفاع از ایده‌های خود با استدلال روشن و مستند دارند و این الگو می‌تواند به ارائه و دفاع از پروژه‌های خلاقانه منجر شود و در نتیجه نشانگر رفتارهای خلاقانه شود و در نهایت تفکر قضایی با شدت یافتن مهارت‌های دفاع از ایده‌ها و استدلال منطقی به ارائه و قانع کردن دیگران درباره نوآوری‌ها کمک می‌کند و این امر به فرآیند ارزیابی و نمایش خلاقیت در قالب پروژه‌های تحصیلی منجر می‌شود (Saini et al, 2022).

طبق نتایج، بین سبک تفکر کل‌نگر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را ندارد. نتیجه تحقیق

حاضر با نتایج تحقیق کو (Ko, 2008) و آلجو (Aljojo, 2017: 334) همسویی و مطابقت دارد. قابل ذکر است که سبک تفکر کلی معمولاً به گرایش کلی فرد در رویکرد به مسائل اطلاق می‌شود. مثلاً گرایش به تفکر باز و انعطاف‌پذیر، نگاه کل‌گرایانه یا در مقابل گرایش به تفکر صریح و تحلیلی. این دسته‌بندی می‌تواند شامل مجموعه‌ای از جنبه‌ها مثل جستجوی دیدگاه‌های متنوع، ترکیب اطلاعات از منابع مختلف و پذیرش پرسش‌های باز باشد؛ بنابراین افراد با سبک تفکری گسترده و کلی‌نگر معمولاً انگیزه بیشتری برای کاوش در مسائل پیچیده و آزمودن راه‌حل‌های جدید دارند. این انگیزه می‌تواند به استمرار در فرآیند خلاقیت و در نتیجه رفتارهای تحصیلی خلاقانه منجر شود (Aljojo, 2017: 334).

نتایج نشان می‌دهد بین سبک تفکر جزئی‌نگر و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را دارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق کو (Ko, 2008) و حمد و آود (Hammad, & Awed, 2023: 25880) همسویی و مطابقت دارد. قابل ذکر است سبک تفکر جزئی، تمایل به تحلیل دقیق و جزء به جزء استفاده از استدلال منطقی، پردازش اطلاعات به صورت گام به گام و تمرکز بر جزئیات برای رسیدن به پاسخ‌های آموزشی دارند. در واقع تفکر جزئی به دانش‌آموزان می‌آموزد که چگونه یک مساله را از بخش‌های مختلف تجزیه و تحلیل کنند و این تفکیک دقیق می‌تواند زمینه را برای ترکیب ایده‌های مختلف فراهم کند و منجر به تولید ایده‌های خلاقانه شود. در این میان اگر معلمان و محیط آموزشی، فضایی امن را برای آزمایش ایده‌ها ایجاد کنند و بازخورد سازنده بدهند، رابطه بین تفکر جزئی و خلاقیت تقویت می‌شود، در غیر اینصورت ترس از اشتباه و ارزیابی منفی و قضاوت شده می‌تواند موجب مهار خلاقیت در دانش‌آموزان شود (Hammad, & Awed, 2023: 25880).

طبق نتایج، بین سبک تفکر آزاداندیش و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را دارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق یانگ و لین (Yang & Lin, 2004: 33) و حمد و آود (Hammad, & Awed, 2023: 25880) همسویی و مطابقت دارد. سبک تفکر آزاداندیش گرایش به تولید ایده‌های نو، رهاسازی فاصله از چارچوب‌های رایج، پذیرش تنوع راه‌حل‌ها و استفاده از تخیل به منظور یافتن پاسخ‌های غیرمتعارف دارد و دانش‌آموزانی که سبک تفکر آزاداندیش دارند اصولاً در مورد حل مسائل، راه‌حل‌های نوآورانه ارائه می‌دهند و یا منابع مختلف را جهت رسیدن به بهترین ایده با یکدیگر ترکیب کرده و با بازنگری و به کارگیری رویکردهای غیرمتعارف در پروژه‌ها و تکالیف، به بهترین نتایج دست پیدا می‌کنند. در واقع افرادی با این سبک تفکر به زنجیره‌ای از گزینه‌ها فکر می‌کنند و این انعطاف‌پذیری به ویژه در مواجهه با مسائل آموزشی

پیچیده و باز، منجر به رفتارهای خلاقانه می‌شود و حتی سطح انگیزش در یادگیری تحصیلی را نیز افزایش می‌دهد (Yang & Lin, 2004: 40).

نتایج نشان می‌دهد بین سبک تفکر محافظه کار و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را ندارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق قنبری و همکاران (Ghanbari et al, 202: 82) همسویی و مطابقت دارد. دانش‌آموزان با گرایش به سبک تفکر محافظه‌کار می‌توانند در فضاهایی که به طور تدریجی و با کاهش ترس از شکست طراحی شده‌اند به تدریج وارد فعالیت‌های خلاقانه شوند. این نوع فضاها می‌تواند با ارائه مراحل روشن، بازخورد سازنده و فرصت‌های آزمایش کم خطر، به بروز رفتارهای خلاقانه منجر شود. در واقع دانش‌آموزانی که سبک تفکر محافظه کار دارند، دارای رویکردهای منظم و برنامه‌ریزی شده هستند که گزینه‌های جایگزین را به شیوه‌ای سازمان‌یافته ارزیابی و ترکیب کرده و اول اصول و محدودیت‌ها را مشخص کرده و سپس از این چارچوب برای تولید ایده‌های معتبر و عملی استفاده می‌کنند. دانش‌آموزانی که سبک تفکر محافظه کار دارند به شدت بر ارزیابی دقیق منابع و قابلیت‌های موجود تاکید دارند و این نوع نگاه می‌تواند به ترکیب کارآمد منابع و در نهایت ارائه راه‌حل‌های خلاقانه شود (Ghanbari et al, 202: 82).

طبق نتایج، بین سبک تفکر سلسله‌مراتبی و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را ندارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق حمد و آود (Hammad, & Awed, 2023) همسویی و مطابقت دارد. تفکر سلسله‌مراتبی با ایجاد چارچوب‌های گام به گام و نظم دادن به فرآیند یادگیری، می‌تواند فضای امنی برای کاوش‌های محصول‌محور و آزمایش ایده‌های نو فراهم کند. در واقع دانش‌آموزان با این ساختارها می‌توانند ابتدا اصول و محدودیت‌ها را مشخص کرده و سپس از این مبنا به ایده‌های تازه برسند و وجود ترتیب منطقی در تفکر می‌تواند به آنان کمک کرده تا ایده‌های غیرمتعارف را به صورت مرحله‌ای ارزیابی، آزمایش و بهبود بخشند و این فرآیند، ترکیب خلاقانه منابع و داده‌ها را با کنترل و بازخورد مدام ممکن می‌سازد. با سلسله مراتب بودن تفکر، تصمیم‌گیری‌ها به تدریج انجام می‌شود و هر گام با ارزیابی نتایج گام قبلی همراه است و این وضعیت می‌تواند ترس از شکست را کاهش داده و دانش‌آموزان را تشویق به پذیرش ریسک‌های کوچک در مسیر خلاقیت کند. لازم به توضیح است که این دانش‌آموزان ترجیح می‌دهند روی برخی از پروژه‌های اولویت‌بندی شده تمرکز کرده و تمایل به اولویت‌بندی بخش‌های مختلف پروژه، نظم و انضباط در انجام تکالیف و پروژه‌ها دارند و به همین دلیل نیز عموماً به نتایج مطلوبی می‌رسند (Hammad, & Awed, 2023: 25880).

نتایج نشان می‌دهد بین سبک تفکر اولیگارش‌ی و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را ندارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق قنبری و همکاران (Ghanbari et al, 202: 82) همسویی و مطابقت دارد. سبک تفکر اولیگارش‌ی به معنای تمایل به تمرکز قدرت، تصمیم‌گیری سریع و تمرکز بر کنترل منابع و فرآیندها با کاهش فاکتورهای خطرپذیری و عدم قطعیت اشاره دارد و در موقعیتهای آموزشی می‌تواند منجر به فراهم شدن فضای امن‌تر برای آزمایش ایده‌های نو شود به شرط اینکه محدودیتها به اندازه کافی با فرصتهای خلاقانه همسو باشند. همچنین این نوع سبک تفکر می‌تواند در پروژه‌های پژوهشی یا طراحی که نیازمند گام‌های منظم و تنظیم بازخورد است به تقویت خلاقیت منسجم و قابل پیاده‌سازی کمک کند (Ghanbari et al, 202: 82).

اما نتایج نشان داد بین سبک تفکر آنارشیستی و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق کدیم و موسی (Kadhim & Mousa, 2024: 379) همسویی و مطابقت دارد. قابل ذکر است که سبک تفکر آنارشیستی به معنای بی‌قیدی یا بی‌نظمی می‌باشد که در محیط آموزشی کلاس‌های منظم و ارزیابی‌های سازگار انتظار نمی‌رود که این گرایش به طور مستمر منجر به رفتارهای خلاقانه شود.

طبق نتایج، بین سبک تفکر درونی و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را دارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق لی-فانگ (Li-Fang, 2006: 1177) و آلیجو (Aljojo, 2017: 335) همسویی و مطابقت دارد. در سبک تفکر درونی، دانش‌آموزانی که به بازنگری و تفکر درونی گرایش دارند از نظر شناختی به بررسی عمیق‌تر مساله و جستجوی راه‌حلهای غیرمعمول و ارزیابی دقیق احتمال‌های مختلف می‌پردازند و این فرآیند به شکل طبیعی با رفتارهای خلاقانه همسو است یعنی منجر به تولید ایده‌های جدید و یافتن راه‌حل‌های غیرمتداول می‌شود و همچنین دانش‌آموزانی با این سبک تفکر عموماً احساس کنترل و اعتماد به نفس بالاتری نسبت به توانایی‌های خلاقانه پیدا می‌کنند و این خودکارآمدی می‌تواند موجب استفاده از رویکردهای نوآورانه در انجام تکالیف تحصیلی شود (Li-Fang, 2006: 1183).

نتایج نشان می‌دهد بین سبک تفکر بیرونی و رفتارهای تحصیلی خلاقانه، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ اما این سبک، قابلیت پیش‌بینی رفتارهای تحصیلی خلاقانه را ندارد. نتیجه تحقیق حاضر با نتایج تحقیق دیمه‌ور و یوسفی روشن (Daymever & Yousefi, 2020: 69)، لی-فانگ (Li-Fang, 2006: 1177) همسو و با نتیجه تحقیق ژانگ (Zhang, 2003: 323) همسو نیست. زیرا دانش‌آموزانی که سبک تفکر بیرونی دارند به ارزیابی و جمع‌آوری داده‌های محیطی علاقه‌مند هستند و احتمالاً در پروژه‌های جغرافیا به دنبال

راه‌حل‌های نوآورانه بر مبنای مشاهدات میدانی و نقشه‌برداری خواهند رفت. این گرایش بیرونی می‌تواند محرکی برای رفتارهای خلاقانه، بازخوردهای محیطی و یادگیری مبتنی بر تجربه باشد. همچنین این سبک تفکر موجب تقویت مهارت‌های عملی و ارتباطی با تکیه بر منابع بیرونی شده و در کنار آن، انگیزه‌های بیرونی و بازخوردهای محیطی (معلم، همکلاسی‌ها و منابع عمومی) می‌تواند دانش‌آموزان را به سمت پروژه‌های خلاقانه هدایت کند (Li-Fang, 2006: 1184).

نتیجه‌گیری

نتیجه کلی این است که هر کدام از سبک‌های تفکر به نوعی با رفتار خلاقانه تحصیلی فراگیران رابطه دارند که بیشترین رابطه بین تفکر درونی و رفتار خلاقانه تحصیلی بود. نتایج تحقیق نشان داد که رفتار خلاقانه تحصیلی فراگیران، متأثر از سبک‌های تفکر است. ارتقای هر کدام از سبک‌های کل‌نگر، جزئی‌نگر، سلسله‌مراتبی، درونی، بیرونی، آزاداندیش، قانونی، اجرایی، اولیگارش و قضایی در فراگیران می‌تواند به افزایش و بهبود رفتار نوآورانه آنان کمک کند. زیرا بر پایه نظریه استرنبرگ، هیچ سبکی، خوب یا بد نیست و سبک‌های تفکر افراد، شیوه ترجیحی آنان در استفاده از این سبک‌ها است و می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزان نیز با هر سبک تفکری که دارند می‌توانند در زمینه‌های گوناگون با کاربرد بهینه و بجای این سبک تفکر و حتی کاربرد ترکیبی آنها از توانایی‌های خود حداکثر استفاده را ببرند و در تمامی زمینه‌ها افرادی خلاق و کارآمد برای جامعه باشند. شناسایی بعد یا ابعادی از سبک‌های تفکر که بیشترین و مثبت‌ترین ارتباط را با رفتار نوآورانه فراگیران دارد، به مسئولان و دست‌اندرکاران نظام آموزشی کمک می‌کند تا با توجه به قابل رشد بودن این مهارت‌ها و سبک‌ها، زمینه‌های رشد خلاقیت و رفتار نوآورانه را در فراگیران فراهم نمایند تا دانش‌آموزان بتوانند نقش خود را به عنوان فراگیرانی خلاق و نوآور در رشد و پیشرفت جامعه ایفاء نمایند.

لذا پیشنهاد می‌گردد فضاهای یادگیری برای تفکر بیرونی و درونی ایجاد شود؛ زیرا اقتضای رشته جغرافیا است. در واقع ایجاد کارگاه‌های آموزشی کم‌هزینه برای تفکر و کاوش و یا درنظر گرفتن تابلوهای نقشه راه و جعبه‌های کاوش ساده و همچنین فراهم کردن محیطی امن و بدور از قضاوت و ارزیابی‌های منفی برای بیان ایده‌ها بدون ترس از اشتباه موجب افزایش خلاقیت و تولید ایده‌های نو توسط دانش‌آموزان در درس جغرافیا می‌شود. ارائه بسته‌های آموزشی کم‌هزینه شامل چک لیست‌های ساده، روش‌های تشویقی جهت ابراز ایده‌های نو و خلاقانه و راهبردهای مدیریت کلاس برای فضای باز جهت کاوش و رصد محیط بیرونی برای ارائه پروژه‌های خلاقانه می‌تواند در راستای تربیت دانش‌آموزانی خلاق و بسیار کارآمد در درس

جغرافیا باشد. در کلاسهای درس، جلسات طوفان فکری را سازماندهی کنند که در آن دانش‌آموزان بتوانند آزادانه ایده‌ها، حتی ایده‌های به ظاهر نامتعارف را به اشتراک بگذارند. "تفکر آزاد" را تشویق کنند و بر اساس پیشنهادات دانش‌آموزان، ایده‌های جدید بسازند. عوامل و راهبردهایی مانند تدریس میدانی درس جغرافیا، آموزش چند رسانه‌ای، استفاده از فناوری و وسایل کمک آموزشی، آشنایی با راهبردهای جدید تدریس در درس جغرافیا، انتخاب شیوه تدریس مناسب با هر یک از موضوعات جغرافیایی، افزایش تسلط معلم و دانش‌آموزان در زمینه پردازش اطلاعات جغرافیایی و می‌تواند به تقویت سبک‌های تفکر و بروز رفتار خلاقانه تحصیلی دانش‌آموزان در درس جغرافیا کمک کند.

مشارکت نویسندگان

دانشجو: طراحی و تحقیق - استاد راهنما: حمید رحیمی: طراحی، تحلیل و تحقیق.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی دانشگاه کاشان (مصوب شورای آموزشی-پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان) است. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از کلیه مدیران، معلمان و دانش‌آموزان شهر ناصریه که در این پژوهش ما را یاری نمودند تقدیر و تشکر به عمل آورند.

تعارض منافع

پژوهش حاضر برای هیچکدام از نویسندگان، تعارضی ندارد.

COPYRIGHTS



©2026 The author (s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Acar, S., Tadik, H., Myers, D., Sman, C., & Uysal, R. (2020). Creativity and well-being: A meta-analysis. *The Journal of Creative Behavior*. *JOCB*.485. doi: 10.1002/jocb.485.
- Aljojo, N. (2017). Differences in styles of thinking 'In Light of Sternberg's Theory': A case study of different educational levels in Saudi Arabia,

- Journal of Technology and Science Education*, 7 (3): 333-346.
<https://doi.org/10.3926/jotse.291>
- Allport, G. W. (1961). *Pattern and growth in personality*. New York: Holt, Rinehart, and Winston. <https://psycnet.apa.org/record/1962-04728-000>
- An, Z., Ge, J., Xu, Y. (2023). Exploring the mediating effect of creativity on the relationship between family capital and academic achievement in geography. *Sci Rep*, 13, 21467. <https://doi.org/10.1038/s41598-023-48833-8>
- Ayasrah, S., Obeidat, M., Katatbeh, Q., Aljarrah, A., & Al-Akhras, M. A. (2023). Practicing creative thinking and its relation to academic achievement. *Creativity Studies*, 16(1), 178-192.
<https://doi.org/10.3846/cs.2023.14661>
- Barry, A., Haji, S., Shahabi, M. Sepahi, V., Ghasemi, M., Norouzi, A., & Ramezani, G. (2024). Assessment of the relationship between thinking styles and learning styles with academic performance in medical and nursing students of Kermanshah University of Medical Sciences. *Journal of Education and Health Promotion*, 13(1):442. (In Persian). DOI: [10.4103/jehp.jehp_1301_23](https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_1301_23)
- Barzegar, N., Ghourchian, N. & Taghipur, A. (2021). Providing a Model for the Creation of Innovation Capacities in Iran's University Administration. *Journal of Management and Planning In Educational System*, 14(1), 43-70. doi: [10.52547/MPES.14.1.43](https://doi.org/10.52547/MPES.14.1.43)
- Cabra, J. F., & Uribe, D. (2013). Creative Behavior. In E. Carayannis, I. Dubina, N. Seel, D. F. J. Campbell, and D. Uzunidis' (Eds.). *Springer Encyclopedia on Creativity, Innovation, and Entrepreneurship*. (pp. 267-271). New York, NY: Springer.
<https://link.springer.com/referencework/10.1007/978-3-319-15347-6>
- Daymever, M. & Yousefi Roshan, M. R. (2020). Creating Effective Learning Contexts through Blended Learning and Field Trips in Geography Instruction. *Quarterly Journal of Research in Social Studies Education*, 1(2), 69-95. [20.1001.1.27832279.1398.1.2.5.2](https://doi.org/10.1001.1.27832279.1398.1.2.5.2)
- Filgona, J., & Sababa, L. K. (2017). Effect of gender on senior secondary school students' academic achievement in geography in ganye educational zone, Nigeria. *Eur. J. Educ. Stud.* 3, 394-410. doi: [10.5281/zenodo.400596](https://doi.org/10.5281/zenodo.400596)
- Ghanbari, S., Papi, M., & Derakhshanfard, S. (2020). Relationship between thinking styles and the academic achievement of occupational therapy students in Iran. *J Educ Health Promot.* 28; 9: 82. (In Persian). doi: [10.4103/jehp.jehp_545_19](https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_545_19).
- Grigorenko, E. L., & Sternberg, R. J. (1997). Styles of Thinking, Abilities, and Academic Performance. *Exceptional Children*, 63(3), 295-312.
<https://doi.org/10.1177/001440299706300301>

- Groza, M. D., Locander, D. A., & Howlett, C. H. (2016). Linking thinking styles to sales performance: The importance of creativity and subjective knowledge. *Journal of Business Research*, 69(10), 4185–4193. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2016.03.006>
- Guilford, J. P. (1950) Creativity. *American Psychologist*, 5, 444-454. <http://dx.doi.org/10.1037/h0063487>
- Hammad, M. A., & Awed, H. S. (2023). Thinking styles and their relationship with self-efficacy among deaf and hard-of-hearing adolescent students. *Current Psychology*, 42, 25880-25893. <https://doi.org/10.1007/s12144-022-03597-8>
- Han, J., Liu, N., & Wang, F. (2022). Graduate students' perceived supervisor support and innovative behavior in research: The mediation effect of creative self-efficacy. *Frontiers in Psychology*, 13, 875266. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2022.875266>
- Harrison, A. F., & Bramson, R. M. (1982). *Styles of thinking: Strategies for asking questions, making decisions, and solving problems*. New York, NY: Actor Press.184-189.
- Hasanuddin, H. (2021). Profile Students' Thinking Style from Perspective Gender in Learning Activity. *Jurnal Diversita*, 7(2), 267–273. <https://doi.org/10.31289/diversita.v7i2.5977>
- Huang, Z., Yang, Y., & Dong, L. (2024). Fostering students' geographical synthetic thinking using geographic subject mind maps. *Humanit Soc Sci Commun*, 11, 788. <https://doi.org/10.1057/s41599-024-03312-x>
- Hubackova, S. (2015). Factors Influencing the Quality of Teaching and the Foreign Language Knowledge. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 197, 1952-1956. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.07.580>
- Kadhim, A. S. & Mousa, H. Y. (2024). Formal Thinking Patterns (Monarchy-Hierarchy-Anarchy-Minority) and their Relationship to Academic Grit among Students at Al-Mustansiriyah University. *Journal of Educational and Psychological Researches*, 21(82), 379-413. <https://jperc.uobaghdad.edu.iq/index.php/jperc/article/view/1870>
- Kirmizi, F. S., Saygi, C., & Yurdakal, I. H. (2015). Determine the relationship between the disposition of critical thinking and the perception about problem solving skills. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 191, 657661. DOI:10.1016/j.sbspro.2015.04.719.
- Ko, S. (2008). Do thinking styles of entrepreneurs matter in innovation. *Journal of global business and technology*. <http://www.highbeam.com/doc/1p3-16.1020801.html>.
- Li, J., Zhang, J., Bu, X., & Zhang, N. (2024). Does a creative person necessarily exhibit creativity? The interaction between creative

- personality and positions in social networks. *Innovation*, 26, 188–206.
doi: [10.1080/14479338.2022.2105851](https://doi.org/10.1080/14479338.2022.2105851)
- Li- Fang, Z. (2006). Thinking Styles and big Five Personality traits revisited, *Journal Elsevier Personality and Individual Difference*. 40 (6): 1177-1187.
<https://doi.org/10.1016/j.paid.2005.10.011>
- Lin, S., Duan, W., Wang, Y., & Duan, H. (2024). Thinking Style Moderates the Impact of the Classroom Environment on Language Creativity. *Journal of Intelligence*, 12(1), 5.
<https://doi.org/10.3390/jintelligence12010005>
- Liu, Z., Yu, H., Feng, M., & Hou, Y. (2023). Thinking Styles and Creativity: The Mediating Role of Psychological Adjustment in College Students. *Behavioral Sciences*, 13(10), 875.
<https://doi.org/10.3390/bs13100875>
- Mahdavi, D. & Faramarezi, N. (2024). Analyzing the key and influential factors on geography education in secondary schools with a future research approach (case study: Karaj city secondary schools. *Quarterly Journal of Research in Social Studies Education*, 6(1), 71-98.
doi: [10.48310/rsse.2024.16527.1211](https://doi.org/10.48310/rsse.2024.16527.1211)
- Murphy, A., & Janeke, H. C. (2009). The relationship between thinking styles and emotional intelligence: an exploratory study. *South African Journal of Psychology*. 39(3), 357-375.
doi:[10.1177/008124630903900310](https://doi.org/10.1177/008124630903900310)
- Najafi, M. R., & Rahimi, H. (2023). Predicting innovative academic behavior of students based on thinking skills, teamwork skills and problem-solving abilities. *Research in Medical Education*, 15(3), 39-50. (In Persian). URL: <http://rme.gums.ac.ir/article-1-1327-en.html>
- Paek, S.H., & Kim, M. (2024). Characteristics explaining students' creative behaviors in South Korea using random forest. *Asia Pacific Educ. Rev*.
<https://doi.org/10.1007/s12564-024-09930-z>
- Patston, T. J., Kaufman, J. C., Cropley, A. J., & Marrone, R. (2021). What is creativity in education? A qualitative study of international curricula. *J. Adv. Acad.* 32, 207–230.
doi: [10.1177/1932202X20978356](https://doi.org/10.1177/1932202X20978356)
- Piaw, C. Y. (2014). Effects of Gender and Thinking Style on Student's Creative Thinking Ability. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 116, 5135-5139.
DOI:[10.1016/j.sbspro.2014.01.1087](https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.01.1087)
- Rahman, K., Setapa, M., Ghazali, N. A., Sahari, N., & Ramli, N. H. (2022). Factors Affecting Innovative Behaviours among Students in Public Higher Learning in the Southern Region in Malaysia. *Proceedings*, 82(1), 43. <https://doi.org/10.3390/proceedings2022082043>

- Saini, G., Shabnam, Seema, & Bhatnagar, V. (2022). The Pattern of Executive Professionals' Thinking Styles in Relation to cognitive Styles and Metacognition Skills. *Cogent Psychology*, 9(1). <https://doi.org/10.1080/23311908.2022.2068741>
- Sadeghzadeh Belil, N., Golshan, A. & Sadeghzadeh Belil, N. (2025). Evaluation of the Alignment of Geography Lessons in Second-Cycle Elementary Social Studies Textbooks with Environmental Education Standards. *Quarterly Journal of Research in Social Studies Education*, (In Press).
Doi: 10.48310/rsse.2025.20178.1285
- Suherman, S., & Vidákovich, T. (2025). Creative self-efficacy, attitudes, creative style, and environmental literacy: Promoting mathematical creative thinking. *The Journal of Educational Research*, 1-11. <https://doi.org/10.1080/00220671.2025.2495329>
- Sternberg, R. J., & Kaufman, J. C. (2018). Societal forces that ERODE creativity. *Teacher's College Record*, 120, 1-18. <https://doi.org/10.1177/016146811812000505>
- Sternberg, R. J., & Lubart, T. I. (2002). *Defying the crowd: Simple solutions to the most common relationship problems*. Simon and Schuster.
- Strenberg, R. J, Wagner, R. K. (1997). *Thinking style inventory (Unpublished test)*. New Haven, CT: Yale University.
- Tang, C., Mao, S., Naumann, S. E., & Xing, Z. (2022). Improving student creativity through digital technology products: A literature review. *Thinking Skills and Creativity*, 44, 101032. <https://doi.org/10.1016/j.tsc.2022.101032>
- Taylor, C. L. (2025). Gender Bias in Creativity: A Process Model for Understanding the Gender Gap in Creative Achievement. *Perspectives on Psychological Science*, 0(0). <https://doi.org/10.1177/17456916251360739>
- Umami, R., Asfiah, N., Nurhasanah, S., Mu'ammal, I., & Ramadhina, A. S. (2024). Bibliometric analysis: Creative behavior using the Google Scholar database. *International Journal of Business, Economics and Management*, 7(1), 7-17. <https://doi.org/10.21744/ijbem.v7n1.2240>
- Yang, C. S. & Lin, W. C. (2004). The Relationship among creative, critical Thinking and Thinking Style in Taiwan ltinght School Students. *Journal of instructional Psychology*, 31, 33-45.
- Yayla, A., & Ilgin, V. E. (2023). Cultivating Innovative Behavior and Creative Thinking among Nursing Students: An Intervention Study. *International Journal of Caring Sciences*, 16(3), 1262-1270. <https://avesis.atauni.edu.tr/yayin/770c4fe5-94d0-4578-a17a-b7b137678eb1/>

- Zhang, W.X. (2003). Nanoscale iron particles for environmental remediation: An overview. *Journal of Nanoparticle Research*, 5(3), 323-332. <https://doi.org/10.1023/A:1025520116015>
- Zhang, Y., Zhang, Y., Law, K. S., & Zhou, J. (2022). Paradoxical leadership, subjective ambivalence, and employee creativity: Effects of employee holistic thinking. *Journal of Management Studies*, 59(3), 695-723. <https://doi.org/10.1111/joms.12792>
- Zhu, C., & Zhang, L. (2011). Thinking styles and conceptions of creativity among university students. *Educational Psychology*, 31(3), 361–375. <https://doi.org/10.1080/01443410.2011.557044>